

نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه موردی اقلیم کردستان - عراق)

حمید رضا جلائی پور^۱

بارزان حسن^۲

چکیده

تحولات دهه پایانی قرن بیستم و جنگهای اول و دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ که به سقوط صدام حسین منجر شد همراه با آروزی دیرین کردها برای رسیدن به آرمان خود، زمینه بسیار مهمی برای ایجاد خودگردانی کردها و تاسیس حکومت منطقه ای فدرال در چارچوب حکومت جدید عراق فراهم کرد.

هدف اصلی مقاله حاضر «بررسی نقش احزاب در فرآیند توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق بعد از سال ۱۹۹۱» است. مقاله حاضر با استعانت از رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه ای می کوشد مدل پارادایمی از مفهوم توسعه سیاسی در اقلیم کردستان عراق را بر اساس برداشت های ذهنی و تفاسیر کنشگران از این مفهوم به دست دهد. نتیجه کدگذاری باز استخراج ۹۷ مفهوم و ۲۱ مقوله بود. مطابق فرایند روش شناختی نظریه مبنایی، طی مرحله اول (کدگذاری باز)، از دل داده های اولیه، کدها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند. در نهایت پدیده (توسعه سیاسی در کشاکش هژمون حزبی و شکاف هویتی) به دست آمد. نتایج نشان داد، که احزاب سیاسی علاوه بر اینکه در طول این مدت فضایی را برای توسعه سیاسی فراهم کرده اند، اما هنوز باموانع، بحران هویتی، فقدان یک اپوزسیون کارآمد و پاسخگو، ساختار عشیره ای، وجود شاخه نظامی و فساد سیاسی روبه رو می باشند.

کلید واژگان: اقلیم کردستان عراق، نظریه زمینه ای، احزاب سیاسی، توسعه سیاسی

^۱ استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری، علوم اجتماعی، گرایش اقتصاد و توسعه، دانشگاه تهران.

مقدمه

بحث احزاب و توسعه سیاسی از جمله مباحثی است که در چند دهه اخیر توجه عده زیادی از پژوهشگران را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار گرفته است. این مقاله، به بررسی نقش احزاب در توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق می پردازد از آن جایی بیش از پیش احساس می شود که اولاً: احزاب سیاسی یکی از شاخص های مهم توسعه سیاسی و مهم ترین سازمان سیاسی در دموکراسی های معاصر به شمار می آیند. اغلب اندیشمندان علم سیاست وجود احزاب را مایه ی توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و عامل تحقق و تحرک دموکراسی دانسته اند. در واقع احزاب سیاسی می توانند به عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم گیری سیاسی عمل کنند و ابزار مناسبی برای مشارکت سیاسی هر چه بیشتر مردم باشند. در تمایز احزاب با سایر گروه های سیاسی می توان گفت احزاب سیاسی شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی هستند که خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروه ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می گیرند. ثانیاً، در جامعه پرتنوع ما که در آن هویت های گوناگونی حضور و بروز دارد، یکی از مهم ترین دغدغه های همیشگی علاقمندان به حوزه احزاب سیاسی این بوده است که از طریق چه سازوکارهایی می توان فرآیند توسعه سیاسی را تقویت کرد. با توجه به اینکه برگزاری انتخابات نهادینه در کشور مستلزم کنش نهادینه احزاب و رقابت ایدئولوژیک آنهاست، ضرورت دارد در قالب یک گفتمان ملی و هویت بخش، فعالیت احزاب مورد توجه قرار گیرد. در مقاله حاضر سؤال اصلی پژوهشگر عبارت است از اینکه؛ احزاب سیاسی چه نقشی در توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق دارند؟

طرح و بیان مسئله

با توجه به این که وجود احزاب سیاسی از جمله مسائل بسیار مهم و از ویژگی های یک جامعه توسعه یافته و دموکراتیک به شمار می رود، به گونه ای که همه نظام های سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به عملکردشان، خواهان تشکیل احزاب سیاسی هستند. به همین دلیل وجود احزاب سیاسی به بهترین وسیله و ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی در جامعه قلمداد می شود. احزاب سیاسی خود به منزله یک جامعه کوچک سیاسی هستند که در عرصه حیات سیاسی انسان ها به ویژه طی قرن نوزدهم و بیستم به شمار می روند. احزاب در واقع از ابداعات و ابتکارات نظام های سیاسی مدرن محسوب می گردند، ابداعی که بیش از هر پدیده دیگر، هم در خدمت نظام های سیاسی لیبرال و دموکراتیک قرار گرفته و موجب افزایش و کارایی و سودمندی آن ها شده است و هم در خدمت انواع بی شماری از نظام های دیکتاتوری و غیر دموکراتیک. بدین ترتیب احزاب سیاسی برای جوامع مدرن ضروری به شمار می روند، زیرا عمده ترین نهاد برای برخورد با تضادهای موجود در این جوامع به حساب می آیند، در نتیجه احزاب سیاسی دارای دو جنبه هستند از یک سو

به مشروعیت بخشیدن تضادها کمک کرده و جایگاه آن‌ها را در مناقشه عمومی مشخص می‌سازند. و از سوی دیگر ابزاری هستند برای کاهش تضادها و در موارد حادث‌تر سرکوب و دفع آنها (نوذری، ۱۳۸۱: ۵۶).

از سوی دیگر مسئله توسعه سیاسی و احزاب سیاسی مورد توجه اغلب نظریه پردازان قرار گرفته است از قبیل (لویس پای ، پاول، آلموند و هانتینگتون.....). آن‌ها احزاب سیاسی را شرط ضروری توسعه سیاسی می‌دانند، زیرا توسعه سیاسی متضمن عقلانی شدن اقتدار ، تنوع ساختارهای سیاسی و به خصوص گسترش و افزایش مشارکت سیاسی و همچنین از نظر مکتب کارکردگرا که به ضرورت انفکاک ساختارهای سیاسی به منظور بالا بردن کارایی آنها تاکید دارند احزاب سیاسی را نمونه بارز چنین انفکاک ساختاری تلقی می‌کنند، مانند آلموند و پاول و وربا. از این رو احزاب سیاسی محصول توسعه سیاسی و پیچیده شدن ساختاری جامعه تلقی می‌شوند. در هر صورت از زاویه توسعه سیاسی، همان طور که (لاپالمبارا و واینر) تصریح می‌کنند، هم می‌توان احزاب سیاسی را نتیجه توسعه سیاسی تلقی کرد و هم آن را عامل دست یابی به توسعه سیاسی دانست. (نقیب زاده، ۱۳۹۳، ۲۶-۲۷)

کشور عراق از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۹۱ یک سیستم تک ساخت و بسیط برای مدیریت سیاسی داخلی خودش داشت که با واقعیت‌های جغرافیای عراق، یعنی تفاوت‌های ناحیه ای و انسانی آن هم خوانی نداشت. کشور عراق در طول تاریخ خود همواره با دو شکاف عمده قومی و مذهبی روبه رو بوده است. شکاف قومی در عراق، همان اختلافات ساختاری بین کردها و اعراب می‌باشد که از بدو ظهور این کشور مانع عمده ای بر سر راه ایجاد یک ملت واحد و یک دست تلقی شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۹، ۱۹۶)

تقسیم کردها بین دولت‌های منطقه در گذشته و تاثیرپذیری هر بخش از فضای سیاسی و الگوهای تعاملی این اقلیت با دولت مرکزی مربوطه و نیز گرایش نخبگان کرد، باعث پیدایش ناسیونالیسم کردی خاصی در هر کشور شده است، لکن چیزی که هویت مشترک و توسعه سیاسی کردها را در بین کشورهای خاورمیانه شکل می‌دهد مفهوم " کردایتی" است که به گفته ناتالی نوعی از ملی‌گرایی قومی را پدید می‌آورد. (Natali, 2005, 183)

درباره شکل‌گیری و آغاز جنبش سیاسی خودگردانی کردها (کریس کوچرا) جنبش ملی کردها را به سه مرحله تقسیم می‌کند ۱- مرحله فئودالی و قبیله ای که از زمان عثمانی و صفوی‌ها و توسط امیر بدرخان در سال ۱۸۴۴ م آغاز شد که با شکست او به پایان رسید. ۲- مرحله مذهبی که توسط شیخ عبید الله نه‌ری بود ۳- مرحله سیاسی که با تشکیل انجمن‌ها و سپس تشکیل احزاب سیاسی در اوایل قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد به ویژه حزب دموکرات کردستان

۱۹۴۵ به رهبری قازی محمد، حزب دموکرات کردستان عراق در سال ۱۹۴۶ به رهبری مصطفی بارزانی (کوچرا، ۱۲۰، ۱۹۹۹).

تحول دیگری که به تقویت احزاب سیاسی و جنبش کردها در کردستان عراق منجر شد، اشتغال کویت در ۱۹۹۰ م توسط رژیم صدام حسین بود که به دنبال آن نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا عراق را از کویت بیرون راند و این باعث شد کردها اقدام به بزرگترین خیزش کنند در مارس سال ۱۹۹۱ در مدت دو هفته سرتاسر کردستان عراق را به کنترل خود در آورند. اما حمله دوباره دولت عراق به کردستان که منجر به فرار گسترده کردها به سمت مرزهای ایران و ترکیه شد که به (کوچ ملیونی) نام درآورد، این اقدام با واکنش جامعه بین المللی روبرو گردید که باعث شد در ۵ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۶۸۸ را تصویب کند. این قطعنامه سرکوب مردم غیر نظامی را در عراق از جمله مراکز جمعیتی کردستان را محکوم کرد و از حکومت عراق خواست؛ برای کمک به رفع تهدید صلح و امنیت جهانی در منطقه، فوراً به این سرکوب پایان دهد و به سازمان های حقوق بشر جهانی امکان دستیابی به تمام کسانی را که در عراق نیاز به کمک دارد بدهد (Mc Dowall, 2000, 375). به دنبال این قطعنامه در اواسط آوریل ۱۹۹۱ نیروهای ائتلاف ایجاد منطقه امن را در درون عراق اعلام و هواپیماهای عراق را از پرواز بر شمال مدار ۳۶ درجه منع کردند. در نتیجه استان های کردنشین (سلیمانیه، اربیل، دهوک) تحت کنترل احزاب سیاسی کرد قرار گرفتند. احزاب سیاسی تصمیم به برگزاری انتخابات در سال ۱۹۹۲ شدند و سپس برای اولین بار حکومت اقلیم کردستان و پارلمان کردستان تشکیل دادند، که تا سال ۲۰۰۳ به صورت دوفاکتو توانست خود را اداره کند.

جنگ دوم خلیج و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳ که منجر به سقوط رژیم بعث و صدام حسین و تحول سیاسی جدیدی در عراق شد موقعیت سیاسی کردها را نه تنها در کردستان بلکه در سطح بین المللی رونق داد، احزاب سیاسی کردستان به خصوص دو حزب قدرتمند کردستان (حزب اتحاد میهنی و حزب دموکرات کردستان) توانستند نقش موثری در تشکیل دولت عراق و نوشتن قانون اساسی عراق جدید داشته باشند و همچنین توانستند پست ریاست جمهوری عراق و وزارت خارجی را به دست بگیرند و بر فرآیندهای سیاسی و نظام سیاسی جدید عراق تاثیر بگذارند.

استانفیلد معتقد است که این رویدادها اخیر بخصوص انتخابات سال ۲۰۰۵ عراق، توسعه سیاسی و ناسیونالیسم کردی و احساس جدا طلبی را میان احزاب سیاسی کردستان عراق را بیشتر تقویت کرده است. (Stansfield, 2003, 12)

کردها در طول ۲۶ سال حکمرانی اقلیم کردستان توانسته اند فراز و نشیب های فراوانی طی کنند و ارزش هایی چون دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی مطبوعات، تعامل با نهادهای

بین المللی، جلب سرمایه گذاری خارجی، همزیستی با همسایگان، توسعه اقتصادی و سیاسی در کردستان عراق را تجربه نمایند.

حالا با توجه به موارد فوق در این تحقیق این مسئله مطرح است که احزاب سیاسی چه تاثیراتی در فرآیند و رشد و میزان افزایش و تثبیت توسعه سیاسی در اقلیم کردستان عراق داشته اند؟

اهداف و ضرورت تحقیق:

هدف اصلی مقاله حاضر «بررسی نقش احزاب در فرآیند توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق بعد سال ۱۹۹۱» است.

اهداف فرعی

- تشریح و تبیین وضعیت جدید عراق و اقلیم کردستان عراق و تغییرات به وجود آمده پس از سال ۱۹۹۱

- ارائه یک مدل پارادایمی بین فرآیند توسعه سیاسی و نقش و جایگاه احزاب سیاسی در کردستان عراق.

- بررسی مسائلی از جمله حقوق زنان و مشارکت سیاسی و آزادی بیان و رسانه های گروهی و انتخابات و سیستم سیاسی و تغییرات اجتماعی در اقلیم کردستان بعد از سال ۱۹۹۱.

اهمیت تحقیق حاضر از چند منظر قابل توضیح است: اول آنکه مطالعات اندکی در باب توسعه سیاسی و مبتنی بر پارادایم تفسیری و تفهیمی در حوزه های علوم سیاسی و علوم اجتماعی صورت گرفته است. از این درک مفهوم توسعه سیاسی از منظر کنشگران سیاسی ضرورت مطالعه آن را با رویکرد تفسیری و سازه انگارانه ایجاب می کند. دوم: آنکه، مطالعه توسعه سیاسی با استفاده از روش نظریه زمینه ای در نوع خود کار جدیدی است. تحقیق حاضر می کوشد با استعانت از رویکرد کیفی و مبتنی بر روشه نظریه زمینه ای، مدل پارادایمی از مفهوم توسعه سیاسی و بر اساس برداشت های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران (سوژه های تحت مطالعه) از این مفهوم به دست آید.

ادبیات تحقیق

۱- مبانی نظری

مروری بر منابع و مآخذ موجود نشان می دهد، در منابع مربوط به توسعه سیاسی امروزه سه دیدگاه مسلط نظری موجود است که هر یک برداشت ها و تفاسیر مختلفی از این مفهوم به دست داده اند. اولین دیدگاه؛ نظریه های کلاسیک و توسعه گرایی است. این نظریه در صدد تنظیم و صورت بندی نظریه های توضیحی عام و جهان شمول است و از ایده ها و اندیشه های جامعه شناسی قرن نوزدهم الهام می گیرد. باید گفت رهنمون القایی علم اقتصاد در تکوین دیدگاه توسعه گرایی در علم سیاست، نقش قاطع داشت. از چهره های شاخص این جریان می توان (لیپست، دال، روکان، دوئیچ،

لرنر، شیلز، آلموند، کلمن، پای، وربا و ارگانسکی را ذکر کرد (کوزر، ۱۳۶۸، کدیور، ۱۳۸۶: ۷۲-۳۸، به نقل از فیروز راد، ۱۳۸۸، ۳۲)

دومین جریان در مطالعات توسعه سیاسی در پی بازسازی جامعه شناسی از طریق وداع با نظریه های کلان و روی آوردن به نمونه های صوری است که به گونه ای انتزاعی فقط به دنبال یافتن و وجه مشترک تمامی روندهای نوسازی سیاسی است (بدیع، ۱۳۷۹: ۲۳). از چهره های شاخص این جریان (هانتینگتون، اپتر، بندیکس، رکان و آیزنشتاد) قابل ذکرند.

دیدگاه سوم که به دیدگاه بر ساخت یا سازه انگاری^۱ معروف است، اعتقاد دارد واقعیت های اجتماعی توسط کنشگران ساخته می شوند. بدین ترتیب ساختارهای اساسی سیاست ساخته و پرداخته ساختارهای ذهنی-اجتماعی است. یکی از مهم ترین اصول بر ساخت گرایي ناظر بر معانی است که کنشگران و بازیگران اجتماعی به کنش های خود می دهند. همان طوری که آدلر اشاره می کند، مهم ترین نکته هستی شناختی که در تحلیل سازه انگاری از امنیت مشهود است، تمرکز بر عوامل فرامادی در تکوین امنیت ملی است. از این منظر اولاً شناخت آدمی واقعیت ها را شکل می دهد، ثانیاً این شناخت در اجتماع شکل می گردد و ثالثاً واقعیت های اجتماعی هرگز نمی توانند ایستا باقی بمانند و مکرراً باز تولید می شوند (Adler, 2002: 95-118، به نقل از: تبریزی، ۱۳۹۵، ۲۶۴).

شاخص هایی چون جامعه مدنی، پلورالیزم، انتخابات، جامعه پذیری سیاسی، مشروعیت، آزادی مطبوعات و رسانه ها، ثبات سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی، آزادی عقده و بیان، کاهش اختلافات، نفی خشونت و تأکید بر گفتگو، مشارکت زنان،..... از مجموعه عواملی هستند که می توانند کشوری را در نیل به توسعه سیاسی یار رسانند.

جوامع ناهمگون در مقایسه با سایر جوامع بیشتر در معرض خطر و عدم اجماع قرار دارند در اکثر کشورهای خاورمیانه، تکثر و چند قومی همواره محلی برای منازعه و درگیری میان احزاب و نزاع بر سر سهم خواهی احزاب بوده است. در اینجاست که هویت سازه انگارانه به موضوعی مهم تبدیل می شود. کنشگران، منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می آورند. تکثر و چند پارگی در جوامع باعث می شود احزاب و نیروهای سیاسی، بخش وسیعی از توان و پتانسیل نیروهای موجود در آن صرف این تضادها و تنش ها می شود، مشکل هویت، به بیان (ونت) این است که هر چه قومیت ها احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابط شان مبتنی بر خود محوری بیشتری خواهد بود. (خدایی، ۱۳۹۰، ۴۱) همان طور که معلوم است دولت عراق کشوری متکثر و چند قومی است، از زمان شکل گیری این دولت فرایند دولت-ملت به شکل صحیح شکل

^۱. Constructionism

نگرفته است، به همین دلیل احزاب سیاسی بر اساس منافع هویتی و ناسیونالیستی شکل گرفته اند بخصوص احزاب سیاسی که قدمت تاریخی در مبارزه مسلحانه دارند.

۲- توسعه سیاسی و جایگاه احزاب در این فرایند

لویس پای افزایش ظرفیت نظام سیاسی در پاسخگویی به نیازها و خواسته های مردم، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می داند (قوم، ۱۳۸۲: ۱۷). ساموئل هانتینگتون مؤلفه های اصلی توسعه سیاسی را عقلانی سازی، یکپارچگی ملی، دموکراتیزه سازی، انعطاف پذیری، و بسیج تحرک یا مشارکت بر می شمارد (Huntington, 1979: 47).

به باور بشیریه توسعه سیاسی وقتی حاصل می شود که:

۱. گروه ها و نیروهای اجتماعی و گوناگون توسعه یافته بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان بدهند.

۲. درون ساختار سیاسی نهادهای گوناگون توسعه یافته باشند و حکومت بر اساس پیچیدگی و گسترش نهادها، سیاست اساسا غیر شخصی و باثبات می شود و امکان اعمال خشونت سیاسی در وجوه گوناگون آن کاهش می یابد

۳. درون نهادهای سیاسی، مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر وجود داشته باشد

۴. مجموعه ساختارها ساختارها و فرایندهای بالا استمرار و مشروعیت گسترده ای داشته باشند و به صورت قانونی نهادینه شده باشند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۵۸۱-۵۸۲).

به طور کلی، احزاب سیاسی را می توان شاخص نهادی مؤثری برای پی بردن به میزان توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی سیاسی در نظر گرفت (Schattchneider, 1960: 21). در میان اندیشمندان مبحث توسعه سیاسی، اجماع نظر تقریبا کاملی درباره احزاب سیاسی و ضرورت تحزب به منزله نماد توسعه سیاسی وجود و مؤلفه ای مهم در تحقیق مردم سالاری وجود دارد. بسیاری از نظریه پردازان از احزاب در نقش چرخنده ماشین دموکراسی، نماد سیاست مدرن، حلقه مفقوده و واسطه میان مردم و کارگزاران و تصمیم گیران یاد کرده اند و وجود و پویایی آن را مایه توسعه و ثبات سیاسی همچنین، دلیل افزایش مشارکت و رقابت سیاسی به شمار می آورند و تعادل، پایداری، و مشروعیت نظام سیاسی را در کارکرد مؤثر و پویایی این پدیده در نظر می گیرند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۵، هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۷۶-۵۷۵).

۳- شاخص های توسعه سیاسی

در حوزه نوسازی و توسعه سیاسی، برخی از نویسندگان نظیر لویس پای، بر یک معیار و متغییر خاص در مورد توسعه سیاسی تاکید نکرده و مفاهیم گوناگونی برای گذار موفقیت آمیز از بحران های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع و یکپارچگی را مهم دانسته است؛ و کسانی چون «الموند و

سیدنی وربا» که توسعه نیافتگی سیاسی جهان سوم را به مسائل روانی، فرهنگی و تاریخی ارجاع می دهند، بر نقش و تاثیر فرهنگ سیاسی تاکید دارند و تغییر حالت و جابجایی فرهنگ، از فرهنگ های سیاسی محدود و تبعی به فرهنگ سیاسی مشارکتی، را مهم می دانند. (قوام، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۷)

به طور کلی شاخص های توسعه سیاسی و یک نظام سیاسی توسعه یافته را می توان شامل موارد زیر دانست:

یکپارچگی سرزمینی، تحول در ساختار اجتماعی و پیدایی گروه های جدید، مشارکت سیاسی و نقش مردم در روندهای سیاسی، انتخابات آزاد و افزایش حق رای، آزادی عقیده و بیان، فعالیت احزاب و گروه های سیاسی، آزادی مطبوعات و رشد و تنوع رسانه های جمعی، انعطاف نظام سیاسی در حل بحران های سیاسی- اجتماعی و اصلاح پذیری آن، خودگردانی واحدهای محلی یا حکومت محلی، گسترش امکانات آموزشی، نقش موثر هیئت های قانون گذاری و نمایندگی، استقلال ملی و مشروعیت بین المللی و احترام به اصول، ارزشها و هنجارها و قوانین پذیرفته شده جهانی (نظیر حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی، حقوق زنان).

شاخص های منفی توسعه سیاسی

عدم صحت برگزاری انتخابات، عدم رعایت اصول قانونی، تظاهرات اعتراض آمیز با استفاده از خشونت، فساد سیاسی و اولویت منافع شخصی، سرکوبی ناراضیان، تعزیم و تکریم ایدئولوژی رسمی و حاکم، سوء قصدهای سیاسی، سیاسی شدن نیروهای مسلح، فساد گسترده و سوء مدیریت، به رسمیت نشناختن حقوق و آزادی های اقلیت ها و مذهبی در داخل کشور، انحصار قدرت سیاسی (T.J.C.Johari به نقل از شیرزادی، ۴۰-۱۳۹۳-۳۷، عالم، ۱۳۹۴، ۱۲۹-۱۲۷، موثقی، ۱۳۹۱، ۱۶۲).

۴- روش شناسی

با توجه به این که هدف اصلی تحقیق توسعه نظریه ای در باب توسعه سیاسی بر پایه داده های کیفی مأخوذ از کنشگران سیاسی است، از روش نظریه زمینه ای «مبنایی»^۱ برای تجزیه و تحلیل داده ها و تکنیک مصاحبه به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. روش نظریه مبنایی آن نظریه ای است که مستقیماً از داده هایی استخراج شده است؛ که در جریان آن، پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده است. در این روش؛ گردآوری داده ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند. مصاحبه کنندگان همان طور که ذکر کردیم در این تحقیق تعدادی از کارشناسان سیاسی و اعضا دفتر سیاسی و شورای مرکزی احزاب با نفوذ اقلیم کردستان (سکولار و اسلام گرا) همچنین عضو پارلمان و روشنفکران جامعه کردستان در هر دو شهر اربیل و سلیمانیه

^۱ Grounded Theory

انتخاب شده اند، برای اینکه پراگندگی و ویژگی های مختلف جامعه هدف اعم از گرایش های تخصصی متعدد را در برگیرد، در مجموع (۲۵) نفر مورد مطالعه قرار گرفتند.

در این روش پژوهشگر کار را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند (مگر آن که منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گرد می آورد؛ پدیدار شود. نظریه ای که بدین طریق از داده ها استخراج شده باشد، بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه ای که با کنار هم نهادن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفا حدس و گمان. نظریه زمینه ای به سبب آنکه از داده ها بیرون کشیده می شوند، بیشتر می توانند بصیرت افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل باشند (استراوس، کوربین، ۱۳۹۱: ۳۴).

قابلیت اعتماد

دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) در مقاله حاضر به چند روش صورت گرفت:

۱- کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضاء^۱: در اینجا از سوژه ها خواسته شد تا یافته های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن و تفاسیر و برداشت های محقق نظر دهند (محمد پور، ۱۳۸۸: ۸۶؛ به نقل از تبریزی پیشین، ۲۸۵)

۲- استفاده از تکنیک ممیزی^۲: در این روش چند متخصص و صاحب نظر که در کار کیفی تجربه داشتند بر مراحل کد گذاری، مفهوم سازی، استخراج مقولات و برداشت های محقق نظارت کردند.

۳- زاویه بندی نظری: در این شیوه از نظریات و رویکردهای نظری مرتبط با موضوع تحقیق در مرحله توسعه مفاهیم حساس و تنظیم مقولات و نیز برای تحلیل و تفسیر نتایج استفاده می شود (همان، ۸۵)

۴- تحلیل یافته ها و نتایج تحقیق:

۱- کد گذاری باز:

اولین مرحله در تحلیل داده ها در روش نظریه مبنایی کدگذاری باز است. در این مرحله از دل داده های کیفی مفاهیم و مقولات استخراج می شوند. نتیجه اولیه کدگذاری باز استخراج ۱۰۹ مفهوم و ۲۱ مقوله بود. مطابق فرایند روش شناختی نظریه مبنایی، طی مرحله اول (کدگذاری باز)، از دل داده های اولیه، کدها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس طی جریان نمونه گیری نظری و در مصاحبه های بعدی مفاهیم جدید اضافه و حذف گردیده و بر غنا و کیفیت و کمیت مفاهیم قبلی

¹. Saturation

². Member check

افزوده شد تا در نهایت ۹۷ مفهوم به دست آمد. در مرحله دوم بعد مفاهیم بر حسب انتساب و تعلق منطقی هر یک به مقولات مشخص گردیده و نهایتاً ۲۱ مقوله را پدید آوردند.

جدول شماره (۱): مفاهیم، مقولات و مقوله محوری استخراج شده از داده های کیفی

مقولات	مفاهیم
تنوع ادیان و تنوع قومی	اجتناب از درگیری قومی - پرهیز از اختلاف دینی- وجود پیروان مذاهب و ادیان مختلف در کردستان- وجود قانون مستقل برای آزادی دینی.
آزادی های مدنی و مشارکت سیاسی	آزادی احزاب، قانونی بودن فعالیت های سیاسی، عدم سانسور مطبوعات، تغییر نرم و مسالمت آمیز، رقابت مسالمت آمیز
نفی خشونت و تأکید بر گفتگو	گفتگو بودن مذاکرات، پرهیز از خشونت، عبور از ناآرامی ها و جنگ های داخلی، کاهش اختلافات
گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی	صدور قطعنامه ۶۸۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل، مشروعیت قانونی، نابودی رژیم بعث و تلاش برای احیاء دوباره زندگی، تأمین نیازهای معیشتی مردم، برقراری آشتی میهنی، بنیان نهادن حکومت اقلیم کردستان در سال ۱۹۹۲، ظهور احزاب سیاسی جدید
زیربنای اقتصادی و سرزمینی	ویران شدن زیربنای اقلیم کردستان توسط رژیم بعث، افزایش بیکاری، حاشیه نشینی، نداشتن سر زمین مستقل، رشد سرمایه گذاری بعد از ۲۰۰۳
جامعه پذیری سیاسی و بالابردن سطح آگاهی	آموزش سیاسی، حفظ روابط قدرت، بسیج توده ها، تربیت و پرورش کادر حزبی، اطلاع رسانی، تأثیر در جذب افکار عمومی، رقابت و فعالیت درون حزبی
رهبری کاریزماتیک	شخصیت کاریزماتیک رهبران حزبی، نقش رهبری بارزانی و طالبانی، قدرتمندی رهبران در مقابل تهدیدات اقلیم کردستان، توانایی در حفظ انسجام داخلی حزب

<p>آزادی بیش حد مطبوعات، آشفتگی رسانه ها، آزادی مخرب گونه رسانه ها، پل ارتباطی بین مردم و حکومت، تقویت فرهنگ و زبان کردی</p>	<p>رسانه ها و مطبوعات</p>
<p>عدم تنش با کشورهای همسایه، تبادل اقتصادی و تجاری، مشترکات فرهنگی و نژادی و زبانی به خصوص با دولت ایران</p>	<p>همزیستی مسالمت آمیز</p>
<p>ایجاد اپوزسیون، نظارت بر حکومت و افشای فساد، نوسازی در سطح داخلی حزب، پتانسیل جامعه کردستان در پذیرش ایده های نوسازی، قابلیت پاسخگویی، مسئولیت پذیری، حاکمیت قانون، کاهش فساد</p>	<p>حکمرانی خوب</p>
<p>حضور دفاتر و کنسولگری های جهان در کردستان کمک دولت های بزرگ جهانی، ارسال کمک سربازی، بالا رفتن سطح دیپلماتیک اقلیم کردستان، وجود دفاتر و نمایندگی حکومت در ۱۴ کشور، بستن قرارداد تجاری و نفتی به صورت مستقیم با حکومت اقلیم کردستان</p>	<p>مشروعیت بین المللی اقلیم کردستان</p>
<p>نهادینه کردن مشارکت سیاسی در قالب احزاب، حضور و مشارکت اقلیت ها در چارچوب احزاب، نبود هیچ مانعی برای حضور در پارلمان، تغییر در ایجاد ترکیب قدرت سیاسی</p>	<p>پلورالیزم حزبی</p>
<p>رهایی بخش بودن ماهیت احزاب در مبارزات مسلحانه، تلاش برای حق تعیین سرنوشت، تأکید بر هویت و ملی گرایی کرد، برگزاری همه پرسی در ۲۰۱۷، ناسیونالیسم کردی ابزاری در برابر ناسیونالیسم عربیسم، حس کردایتی، اعتماد به نفس کردها.</p>	<p>تقویت هویت ناسیونالیسم کردی</p>
<p>تقسیم بندی کردستان میان دو خط مشی بارزانی و طالبانی، دو قطبی شدن انتخابات، فراهم نبودن فرصت برای همه احزاب، ضعیف بودن احزاب اپوزسیون، کنترل منابع اقتصادی.</p>	<p>قدرتمندی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی</p>
<p>حزب سالاری در داخل حکومت، اقدام نکردن بعضی احزاب در راستای اهداف ملی، آنارشیزم بودن بعضی از احزاب، حل اختلافات و مشکلات قانون از طریق صلح عشایری، وجود فرهنگ فساد درون حزبی</p>	<p>ساختار عشیره ای و فساد درون حزبی</p>

عشیره ای در احزاب، بافت عشیره ای و قبیله ای جامعه کردی	
حضور زنان در کار حزبی، تعیین ۳۰ درصد کرسی پارلمانی برای زنان، اصلاح قانون مدنی در منفعت زنان، مواجهه با خشونت زنان،	حضور و فعالیت زنان در فعالیت سیاسی
نویایی سازمان های جامعه مدنی، حمایت از پناهندگان، افزایش سطح آگاهی شهروندان از طریق برگزاری کنفرانس.	توسعه سازمان های جامعه مدنی
بحران های منطقه ای، وجود منابع غنی از نفت و گاز، وجود امنیت قوی در حفظ شهروندان، جنگ در منطقه	موقعیت ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان در منطقه ای پر آشوب و تنش
عدم شکل گیری صحیح فرایند دولت- ملت سازی در عراق، عدم پیوستگی فرهنگی و چالش های قومیتی، ناهمگونی قومی ومذهبی، تشکیل هویت سیاسی مستقل کردی	شکاف هویت قومی

۲- کد گذاری محوری:

پس از مرحله کد گذاری باز و تعیین مفهیم و مقولات، مقولات به دست آمده را در نظمی منطقی برای تولید و ساخت نظریه مبنایی در قالب یک مدل پارادایمی در ارتباط با یکدیگر قرار می دهیم. در این مرحله از یک مدل پارادایمی برای پیوند مقولات و مفاهیم استفاده می شود که شامل شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط میانجی و مداخله گر، راهبردها و پیامدهاست. کد گذاری محوری شامل مرتبط کردن مقوله ها با زیر مقوله ها در راستای ویژگی ها و ابعاد آنهاست، که در جدول زیر فرایند کد گذاری محوری نمایش داده شده است.

جدول ۲: نوع مقوله ها استخراج شده از مفاهیم

مقوله	نوع مقوله
حکمرانی شایسته از طریق احزاب	علی
نفی خشونت و تأکید بر گفتوگو	علی
موقعیت ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان	علی

علی	رهبری کاریزماتیک
زمینه ای	همزیستی مسالمت آمیز
زمینه ای	گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی
زمینه ای	زیر بنایی اقتصادی و سر زمینی
زمینه ای	مشروعیت بین المللی اقلیم کردستان
میانجی	رسانه ها و مطبوعات
میانجی	تنوع ادیان و تنوع قومی
میانجی	ساختار عشیره ای و فساد درون احزاب
میانجی	قدرتمندی شاخه نظامی
کنش و تعامل (راهبردها)	تقویت هویت ناسیونالیسم کردی
راهبردها	قدرتمندی (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی)
راهبردها	پلورالیسم حزبی
راهبردها	جامعه پذیری سیاسی و بالابردن سطح آگاهی
راهبردها	سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال
پیامدی	توسعه و تقویت سازمانهای جامعه مدنی
پیامدی	آزادی های مدنی و مشارکت سیاسی
پیامدی	حضور و فعالیت زنان در احزاب
پیامدی	شکاف هویت قومی

۲-۱- شرایط علی^۱:

شرایط علی در نظریه زمینه ای به چرایی و چگونگی واکنش سوژه ها به یک پدیده خاص اشاره دارد (تبریزی، همان، ۲۹۰). در تحقیق حاضر شرایط علی به مجموعه ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد پدیده توسعه سیاسی ضرورت برقراری آن در اقلیم کردستان از منظر مصاحبه کنندگان اشاره دارد. از جمله این عوامل که سبب می شوند ضرورت و اهمیت ایجاد و برقراری توسعه سیاسی در جامعه حس شود، نفی خشونت و تأکید بر گفتگو، موقعیت ژئوپلیتیک کردستان، رهبری کاریزماتیک، حکمرانی خوب است.

^۱ . Casuals Conditions

در این مورد آقای(آ.ع): در مورد حکمرانی اقلیم کردستان ما بین ۱۹۹۱-۲۰۱۷ می گوید: در طول این ۲۶ سال حکومت اقلیم کردستان دستاوردهایی بسیاری را در زمینه حکمرانی و روند توسعه سیاسی رقم زده است: که عبارتند از: پاسداری و حفاظت از تجربه ی حکمرانی اقلیم کردستان فارغ از آن تهدیدهایی که علیهش در جریان بود، توانست به عنوان دولتی دوفاکتو حیات خود را ادامه دهد، تصویب سیستم فدرالی که هم اکنون به سمت همه پرسی و دولت مستقل کردی به پیش می رود و این امر به عنوان یکی از اصول مهم فرآیند توسعه ی سیاسی و حکمرانی شایسته دور از سلطه بغداد قلمداد می شود، توسعه و گسترش فضای آزادی رسانه ای و مطبوعاتی، سیستم چند حزبی و ظهور احزاب جدید، شکل گیری اپوزیسیون سیاسی قدرتمند در کردستان به ویژه در سال ۲۰۰۹ که توانستند تغییر سیاسی در سیستم حکمرانی اقلیم کردستان ایجاد کنند، کردستان اقدامات بزرگی در جهت توسعه اقتصادی و آبادانی و جذب سرمایه گذاری و همکاری کمپانی های بین المللی با هدف به گردش درآوردن سرمایه اشان در کردستان انجام داده است، از نظر ژئوپلیتیکی تأمین امنیت و ثبات، کردستان منطقه ای باثبات و آرام بوده است، هم صدایی و اتحاد همه ی احزاب سیاسی و رهبری سیاسی کرد پس از سال ۲۰۰۳ در راستای دستیابی به حقوق حقه ی ملت کرد و تصویب آن در قانون اساسی عراق، احزاب اسلامی توانستند تفکر میانه رو اسلامی را اشاعه و ترویج دهند و جامعه را از تفکر بنیادگرا و تندرو دور کنند، فراهم نمودن بستری مناسب برای گسترش و توسعه سیاسی، دموکراسی و آزادی فعالیت سیاسی، مشارکت سیاسی احزاب در حکومت بر طبق نتایج انتخابات، ظهور سازمانهای جامعه ی مدنی و فعالیت سازمانی، برگزاری انتخابات پارلمان و مجلس شورای شهرها، تلاش در راستای حل مسائل و معضلات و کشمکشهای سیاسی از طریق گفت و گو و با شیوه ی مسالمت آمیز.

همچنین خانم (چ.ع) می گوید: حکمرانی خوب نیز از شروط علی است که ضرورت توسعه سیاسی پایدار را ایجاد می کند. حکمرانی خوب با شاخص هایی نظیر مشروعیت، پاسخگویی، مدیریت کارآمد جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مشارکت آزاد و برابر همه احزاب، کاهش فساد و نابرابری ها، می تواند یکی از ابعاد توسعه سیاسی کارآمد باشد، و برای اینکه به یک حکمرانی خوب برسیم لازم است اقداماتی در این جهت صورت گیرد.

در مورد رهبری کاریزماتیک یکی از مصاحبه کنندگان بر این باور است که: " در جوامعی که به صورت پیوسته در حال مبارزه و جنگ نظامی بوده اند، رهبران سیاسی نقش و تأثیر مداوم خود را داشته اند، در جامعه کردی هم به دلیل اینکه بصورت مستمر و تاکنون هم در مرحله ی گذار سیاسی به سر برده، چنین ایجاب نموده که مداوما کاریزما در جهت رهبری و هدایت نقش و تأثیر داشته باشد، همچنین در این جامعه برای حفظ اقتدار حزب و تثبیت جایگاه خود در کشمکش های سیاسی به صورت مستمر نیاز به رهبر مقتدر سیاسی دارد، در چنین جوامعی مردم و شهروندان به

افراد مقتدر نگاه میکنند و همچنین در دوران انتخابات شخص اول حزب نقش بزرگی در سطح و میزان آرای حزب دارد.^۱

۲-۲- شرایط زمینه ای^۱:

- شرایط زمینه ای مجموعه ای خاص از شرایط اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه ها) با عمل و تعامل های خود به آنها پاسخ می دهند (تبریزی، پیشین، ۲۹۱). شرایط زمینه ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون اند از زمینه هایی که در آن راهبردهایی به پدیده توسعه سیاسی یافته اند. از زمینه های که در آن راهبردهای مربوط به پدیده توسعه سیاسی بسط یافته اند عبارتند از: همزیستی مسالمت آمیز، گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی، مشروعیت بین المللی، زیر بنای اقتصادی و سرزمینی.

آقای (ف.ص) اعتقاد دارد که: اقلیم کردستان طی سالهای گذشته سعی در توسعه و تقویت روابط سیاسی و اقتصادی خود با جهان مخصوصا اروپا و کشورهای عربی نموده است. در سطح بین المللی و روابط با سایر کشورها در ماده ۲۲ قانون اساسی عراقی آمده است که «حکومت های منطقه ای می توانند در زمینه های مورد نظر و همچنین امور محلی کشورهای دیگر به امضای توافق نامه بپردازند و همچنین می توانند به طور مستقیم با گروه های خارجی که هم سطح خودشان هستند روابط داشته باشند» بر اساس این ماده اجازه داشتن روابط خارجی با سایر کشورها به حکومت اقلیم کردستان داده شده است. به این ترتیب حکومت اقلیم کردستان از اختیارات قانونی در زمینه برقراری ارتباط با کشورهای خارجی چه در سطح دولت های منطقه ای و سیاسی و چه در سطح دولت های مرکزی برخوردار است.

همچنین (آ.ف) در مورد همزیستی مسالمت آمیز می گوید: این مسئله یکی از مسائلی است که اقلیم کردستان می تواند همیشه بعنوان تجربه موفقی سیاسی و اجتماعی به آن افتخار کند، کردستان تنها منطقه ایست که هیچ وقت ساکنینش بخاطر مسائل دینی و مذهبی و ملی مورد تبعیض قرار نگرفته اند بلکه به پناهگاهی آرام برای مردمان دیگر نیز تبدیل شده است.

از طرفی دیگر (آ.ر) می گوید: "امیدوارم نگرش کشورهای همسایه به ویژه (ایران) نسبت به اقلیم کردستان عوض شود زیرا رویکرد فعلی برخلاف فلسفه سیاسی آنهاست که مفهوم دفاع از (مستضعفین) را ترویج می کند، کردها هم مثل فلسطینی ها از آن ملت هایی هستند که مورد ظلم و ستم و استثمار واقع شده اند. ما خود یکی از قربانیان دست اسرائیل در منطقه هستیم و این برخلاف نگاه و سخنانی است که برخی از نویسندگان و روشنفکران سیاسی که از اقلیم کردستان

^۱ . Contextual Conditions

تحت عنوان اسرائیل دوم در منطقه یاد می کنند، می باشد. زیرا برطبق برخی از اسناد شکست جنبش کرد در سال ۱۹۷۵ به دلیل توافقنامه ی سیاسی بود که میان (آمریکا، عراق، ایران و اسرائیل) امضا شد که در آن زمان اسرائیل به شاه ایران کمک کرد تا با دولت عراق در جهت پایان دادن به جنبش و مقاومت ملت کرد متحد شود، بنابر این ما فلسطین دوم هستیم نه اسرائیل دوم، و همیشه خواهان همزیستی مسالمت آمیز با دولت های همسایه خود بوده ایم و در این ۲۶ حکومتداری این را ثابت کرده ایم".

۲-۳- شرایط میانجی و مداخله گر:

منظور از شرایط مداخله گر و میانجی وضعیت هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیر گذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا مناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کمتر یا فعال تر می سازند، در این مقاله شرایط مداخله گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می کنند، عبارتند از: تنوع قومی و تنوع ادیان، ساختار عشیره ای، رسانه ها و مطبوعات، قدرتمندی شاخه نظامی.

آقای (ف.ص) می گوید: "از منظر قانونی، قانون اقلیت ها وجود دارد که در دوره چهارم پارلمان کردستان تصویب شد، همچنین بر طبق قانون سیستم "پشتیبانی" برای اقلیتهای ملی تصویب شده است که دارای ۱۱ کرسی پارلمانی هستند و از نظر قوانین فردی حقوق آنها نیز لحاظ شده است و در پروژه پیش نویس قانون اساسی کردستان تلاش شده که حقوق اقلیت های قومی و مذهبی به شکلی مناسب و شایسته تثبیت شود.

از منظر سیاسی هم، بعد از ۱۹۹۱ این اقلیت ها همیشه در فعالیت های سیاسی، مشارکتی کارآمد را داشته اند، چه در داخل پارلمان یا مشارکتشان در چارچوب کابینه های یکی پس از دیگری حکومت اقلیم کردستان، و آنها دارای پست وزارت بوده اند".

همچنین (ی.ص) می گوید: "ساختار عشیره ای، قدرتمندی شاخه نظامی احزاب حاکم، فساد سیاسی و اداری، از جمله عواملی هستند که مانعی بر سر راه توسعه سیاسی اقلیم کردستان هستند".

۲-۴- کنش و تعامل «راهبردها»:

راهبرد مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می شود. کنشگران جهت تحقیق پدیده به تدابیری می اندیشند و با توجه به شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می کنند. استراوس و کوربین راهبرد را چگونگی مدیریت موقعیت ها توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می کنند. به عبارت دیگر راهبرد کنش های هدفمندی است که برای حل یک مسئله با نیل به اهدافی صورت می گیرند و با صورت گرفتن آن ها پدیده محقق می شود (تبریزی، پیشین، ۲۹۲).

1. Interventional

2. Action- Interaction

در این تحقیق بر راهبردهای متعددی از سوی مصاحبه کنندگان جهت حصول به پدیده (توسعه سیاسی) تأکید گردیده است که عبارتند از: پلورالیسم حزبی، تقویت هویت ناسیونالیسم کردی، سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال، جامعه پذیری سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی، قدرتمندی حزب دموکرات و اتحادیه میهنی.

برای مثال (آ.ت) می گوید: از نظر پلورالیسم سیاسی: اقلیم کردستان از سال ۱۹۹۲ تقریباً همیشه در یک حالت کثرات گرایی بوده است، در انتخابات سال ۱۹۹۲ (۵) حزب سیاسی در انتخابات مشارکت نمودند (حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی، حزب سوسیالیست دموکرات، جنبش اسلامی، حزب ملت)، اما در آخرین انتخابات در سال ۲۰۱۳ نزدیک بیست (۲۰) حزب سیاسی غیر از اقلیتهای دینی و مذهبی در انتخابات پارلمان کردستان مشارکت نمودند، همچنین در اولین انتخابات میزان ۷٪ برای ورود به پارلمان مشخص شده بود اما اکنون هیچ میزان و سطحی مشخص و معین نگردیده است به همین دلیل حزب های سیاسی وجود دارند که تنها با یک کرسی پارلمانی به مشارکت سیاسی می پردازند.

بنابراین در کردستان بستری مناسب برای مشارکت سیاسی وجود دارد، و هیچ حزبی دارای اکثریت رأی و قدرت سیاسی نیست که این امر هم بستری مناسب فراهم نموده تا دیکتاتوری سیاسی در کردستان به وجود نیاید و همه احزاب سیاسی در تصمیم گیری های سیاسی کردستان شرکت داشته باشند، همچنین به صورت مستمر کابینه های وزرای حکومت دارای نوعی تکرر سیاسی است که بازتاب و انعکاس اکثریت احزاب سیاسی و ساختارهای قومی و مذهبی اقلیم کردستان می باشد^۱.

همچنین (م.م) می گوید: تمام احزاب کردستان (سکولار و اسلامگرا)، دارای گرایشات ناسیونالیستی هستند، و همیشه آن را تقویت کرده اند، و هیچ حزبی در کردستان نیست که در باب آرمان استقلال سازش کرده باشد، و احزاب اپوزیسیون و حاکم در جهت رشد آگاهی شهروندان و جامعه پذیری سیاسی نقش فعالی داشته اند، و قدرتمندی احزاب حاکم از یک طرف باعث جلوگیری از دیکتاتوری احزاب و از طرف دیگر پایه قوی در حفظ و قدرتمندی اقلیم کردستان بوده است^۱.

۲-۵- پیامدها:

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش نظریه مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست. به زعم آنان هر جا راهبردی یا انجام عملی در پاسخ به امر یا مسئله ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی اتخاذ شود، پیامدهای همراه دارد «پدید می آورد» (همان، ۲۹۳). در مقاله حاضر هر یک از راهبردهای پیشنهاد شده از سوی کنشگران که به تحقیق و شکل گیری پدیده توسعه

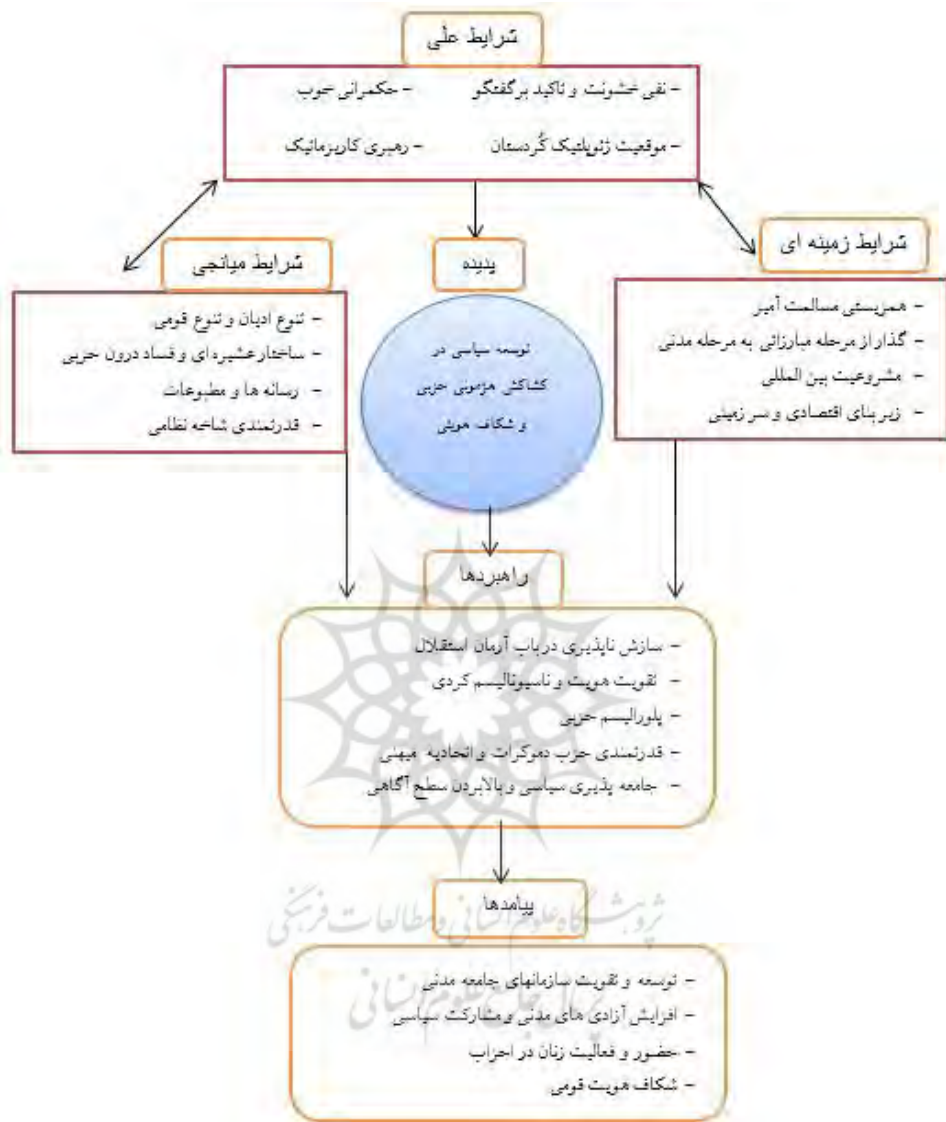
1. Consequences

سیاسی منجر می گردد عبارتند از: توسعه و تقویت سازمان های جامعه مدنی، افزایش آزادی های مدنی و مشارکت سیاسی، حضور و فعالیت زنان، شکاف هویت قومی.

در این زمینه آقای (م.ع) می گوید: "که فرآیند مشارکت سیاسی پس از خیزش مراحل بزرگی را از سر گذرانده و اقلیم کردستان موفق شده است تا سطح مناسبی بنیانهای دموکراسی، انتخابات، حقوق بشر، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و تغییر توازن قدرت را توسعه دهد که این ها گام های بزرگی در پیشبرد توسعه سیاسی هستند، اما هم زمان به دلیل اینکه تاکنون در مرحله رهایی از ستم ملی هستیم، هنوز هم هر دو حزب دمکرات و اتحادیه ی میهنی نگاه و رویکردی ملی گرایانه و میهنی دارند و بیشتر از بقیه ی احزاب کردستان رسالت و وظیفه بر دوش دارند بنابراین آن ها دارای بیشترین طرفدار و هوادار و عضو هستند و من این را امری طبیعی می پندارم، زیرا شکی در این نیست که نهایتاً این دو حزب هستند که می توانند آینده ی سیاسی اقلیم را تعیین کنند."

اما خانم (و.س) می گوید: " تا حضور زنان در فعالیت های سیاسی و حزبی و سازمان های جامعه مدنی بیشتر باشد، و حقوق آنها از نظر قانونی و سیاسی و اجتماعی حفظ شود، این آثار و پیامدهای به همراه دارد، که باعث هر چه بیشتر توسعه سیاسی پایدار در اقلیم کردستان می شود". همچنین آقای (آ.ج) می گوید " اگر چي سازمان های جامعه مدنی بعد از سال ۲۰۰۳ در اقلیم کردستان رشد کرده اند و در زمینه های (آگاهی سیاسی، فساد، فرهنگی، جنسیت، کارآمدی اداری، فعالیت جوانان.....) اقداماتی کرده اند، و در پارلمان قانون شماره ۱ سال ۲۰۱۱ مختص به فعالیت سازمان ها تصویب شد، اما هنوز نتوانسته اند به عنوان عامل فشار و قدرتمند در جهت رسیدن به اهداف طبقات اجتماعی عمل کنند.

مدل پارادایمی: توسعه سیاسی در کشاکش هژمونی حزبی و شکاف هویت قومی



نتیجه گیری

مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با استعانت از روش نظریه مبنایی کوشید مدلی پارادایمی از توسعه سیاسی را بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم در اقلیم کردستان عراق ارائه دهد، آنچه پس از گرد آوری و تحلیل داده‌ها، به عنوان مقوله محوری این مقاله کشف شد. پدیده (توسعه سیاسی در کشاکش هژمونی حزبی و شکاف هویتی) در محیط تحت مطالعه

بود. این پدیده علاوه بر اینکه به شکل های مختلف در مقولات تکرار شده است، با دیگر مقوله های تحقیق نیز ارتباط دارد و تمام آن ها را پوشش می دهد.

نتایج این پژوهش نشان می دهد، که احزاب سیاسی با مشکلات متعددی در زمینه توسعه سیاسی روبرو هستند، اما آن چه اهمیت دارد آن است که احزاب مورد مطالعه از نظر سوژه ها و فعالان سیاسی و کارشناسان سیاسی علی رغم اینکه در طول تاریخ عراق بستری برای رشد و توسعه در فضای دموکراتیک نداشته اند، بلکه به صورت پیوسته در جنگ و جدال با حکومت های یکی پس از دیگری عراق بوده اند، اما می توان گفت که احزاب سیاسی در طول این ۲۶ سال نوعی تجربه دموکراتیک و تغییرات سیاسی و گام نهادن به سوی توسعه سیاسی را تجربه کرده است.

نتایج پژوهش نشان داد که احزاب سیاسی کردستان بعد از سال ۱۹۹۱ دستاوردهای به ارمغان آورده است که عبارتند از: بازنمایی هویت قومی ملت کرد، تاسیس یک حکومت کردی برای اولین بار در تاریخ معاصر کردستان، قدم نهادن در راه دموکراسی و حقوق انسان و تاسیس موسسات و ایجاد سیستم چند حزبی و برگزاری انتخابات؛ تلاش برای تقویت سازمان های جامعه مدنی، رشد ناسیونالیسم کردی در برابر ناسیونالیسم عربی؛ رشد سرمایه گذاری و زیربنای اقتصادی کردستان بعد از ۲۰۰۳، مشارکت در هرم قدرت سیاسی عراق، مشارکت سیاسی احزاب و آزادی فعالیت رسانه ها و مطبوعات، به طوری که این تغییرات و دستاوردها از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی.... رشد توسعه سیاسی و دموکراسی را در اقلیم کردستان افزایش داده است. بررسی این تغییرات و تحولات در کردستان عراق که در منطقه ای کاملاً بحران آمیز و پر تنش قرار گرفته است نشان از تغییرات مثبت و گسترده و دستاوردها و پیشرفتهای بی سابقه این اقلیم در طول ۲۶ سال حکمرانی کردی می باشد.

اما هنوز چالش های (درونی- بیرونی) بر سر راه توسعه سیاسی و دموکراسی این اقلیم قرار گرفته است مانند، بحران های هویتی، شکاف های قومی، وابستگی به دولت مرکزی بغداد، روند شکل نگیری فرآیند صحیح دولت- ملت در عراق، تنش های داخلی احزاب سیاسی، فقدان یک اپوزسیون کارآمد و پاسخگو، قدرتمندی شاخه نظامی احزاب حاکم، ساختار عشیره ای و گسترش فساد سیاسی و اداری در اقلیم کردستان، «تولد سزارین گونه» احزاب کردی. در غیاب یک «سیستم سیاسی مستقل» و دموکراسی، رواج سرکوب و تبعیض ملی، پروژه های «توابع سازی» و «مغزشویی جمعی و هویتی، اشغال خاک کردستان، محروم ساختن یک «ملت» از «حق تعیین سرنوشت» و به طور کلی حاکمیت «استبداد» و نبود آزادی های سیاسی، شکل گیری حزب در تأریخ سیاسی عراق، این ظروف غیرطبیعی، بعدها بر زوایای گوناگون از جمله: ادبیات، درون حزب و نوع مدیریت کار حزبی سایه افکند که آثار و عوارضش تا به امروز ادامه دارد.

از سوی دیگر قسمت اعظم رهبران حزب، مطمئناً دارای پایگاه‌های سنتی و ایلی می‌باشند و تدوام آن نیز با وجود اذعان به اصلاحاتی صوری در ورود افراد جدید و دانش‌آموخته به کادر رهبری حزب، اما باز قدرت واقعی از آن کسانی است که دارای پشتوانه ایلی و دوستانه و غیر رقابتی است و این خود از موانع اصلی در راه احزاب سیاسی به اقدامات توسعه سیاسی است.

در نهایت با نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر در جهت رفع موانع پیش روی احزاب در فرایند بیشتر توسعه سیاسی در اقلیم کردستان ارائه می‌گردد:

— آن دسته از احزاب کردی که در تبعید و مرحله‌ی رویارویی مسلحانه به سر برده اند، ضروری است به این نکته‌ی اساسی عنایت داشته باشند که امروزه تحولات بسیاری بر سر مفهوم «مبارزه» حادث گردیده است. این تحولات می‌طلبد که «تعریفی نو» از مفهوم «حزب و ملی‌گرایی کردی» ارائه دهند. به عبارت دیگر «نوسازی اصول حزب» و آمادگی برای کار و فعالیت در شرایط جدید امروزی.

— ظهور و مطرح شدن نسلی جدید از احزاب سیاسی که فرصتی برای رشد و کسب شروط رقابت در این ساختار قدیمی حزب را داشته باشند، اقدامی بسیار کارساز می‌باشند.

— شهروندان می‌توانند با «رأی دادن آگاهانه»، منبع فشاری جدی باشند بر روی اشکال تاریخ مصرف گذشته‌ی حزب و به حاشیه بردن احزابی با این مواصفات.

— شکل‌گیری نهادها و مؤسسات مستقل و توسعه سازمان‌های جامعه مدنی. منظور آن است که احزاب اپوزیسیون و نهادهای مدنی و منتقد قدرت، کردستان را به مثابه یک کشور غربی و دموکراتیک ننگرند، بلکه نگاه‌شان به کردستان نگاهی واقع‌گرایانه باشد. به عبارتی با خوانشی واقع‌گرایانه به چگونگی پیدایش احزاب و ساختار احزاب و مهم‌تر از همه، ساختار جامعه‌ی کردستان بنگرند و اقدامات و انتقادات آنان نه در راستای تخریب و حذف، بلکه در راستای اصلاح و پل زدن میان سیاستمداران و مردم کردستان باشد.

— عبور رسانه‌ها از یک فضای پوپولیستی و شعارگونه به مرحله‌ی نقد واقع‌گرایانه و آکادمیک با رعایت چارچوب‌های وظایف اخلاقی و قانونی رسانه‌ها و اجتناب از تندروی و توهین به شخصیت‌های بازیگر و با سابقه در فضای سیاسی کردستان.

— پیش‌شرط تحقق آرمان آزادی و دموکراسی و توسعه سیاسی حزبی «ارتقاء سازمان سیاسی به حزب مدرن سیاسی ست»، این مبارزه در راه ارتقای سازمان سیاسی به حزب سیاسی دموکراتیک، نقطه عزیمت «توسعه‌ی سیاسی و حزبی» است، به همین دلیل خیلی مهم است که احزابی که دارای شاخه نظامی هستند به خصوص (حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی) تمام نیروها را در چارچوب وزارت پیشمرگه سازمان دهی کنند.

منابع:

- اخوان کاظمی، (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی احزاب در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اشتراوس، انسلم، کوربین، جولیت، (۱۳۹۲)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران، چاپ سوم، نشرنی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، عقل در سیاست، تهران، موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- تبریزی، علیرضا محسن، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران، انتشارات اطلاعات.
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تحلیل تطبیقی؛ الگوی خودگردانی کردستان عراق، با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، فصلنامه علوم انسانی، دوره چهاردهم، شماره ۲، ۱۹۵-۲۰۱۶
- خدایی، زهرا، (۱۳۹۰)، چالش های دموکراسی سازی در عراق پس از صدام، مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۷، ۳۵-۵۸
- شیرزادی، رضا، (۱۳۹۳)، نوسازی، توسعه، جهانی شدن (مفاهیم، مکاتب، نظریه ها)، تهران، چاپ دوم، نشر آگه.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۹۴)، بنیادهای علم سیاست، تهران، چاپ بیست و هفتم، نشرنی.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۲ الف)، سیاست های مقایسه ای، تهران، سمت.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، چالش های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس
- کوزر، لوئیس، (۱۳۶۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی گلشائبان.
- محمد عبداللهی، فیروز راد، (۱۳۸۸)، بررسی روند تحول و موانع سساختاری توسعه سیاسی، مجله جامعه شناسی ایران، شماره اول، ۲۹-۶۳
- موثقی، سیداحمد، (۱۳۹۳)، نوسازی و توسعه سیاسی، تهران، چاپ اول، نشر میزان.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران، سمت.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۹۳)، احزاب سیاسی و گروه های ذی نفوذ، تهران، چاپ دوم، نشر قومس.
- نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۱)، احزاب سیاسی و نظام های حزبی، تهران، چاپ اول، نشر گستر.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دست خوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- Huntington, Samuel. p.(1979), The change to changed: Modernization, Development, and Political, in: Cyril E. Black, Comparative Modrenization, New york: the free press.
- Mc.Dawoll, David(2000), "Amodern history of the kurd, London:T.B. Tauris.2nd rev . and updated ed.ISBN: 1860645336.

- Natali, Denise (2005), "The kurds and the state: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran. New york: Syracuse university press.
- Schattchneider, Elmer. Eric. (1960): The semi- Sovereign people, New york: Holt, Rinehart and Winston.
- Stanfield, Gareth (2003), Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy, London: Routledge Curzon.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی